

تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم مقام فراهانی بر اساس نظریه کاربردشناسی اصول ادب

طاهره ایشانی*

مریم عاملی رضایی**، فرشته ذکایی***

چکیده

قائم مقام فراهانی از سیاستمداران بزرگ دوره قاجار به‌شمار می‌آید و دارای تألیفات متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها منشآت نام دارد. منشآت، نامه‌هایی است که در دوره دیوان‌سالاری به سبک ساده و روان نوشته شده و به‌عنوان ژانری ادبی این ظرفیت را داراست که براساس نظریه کاربردشناسی اصول ادب بررسی شود. از این رو، در این پژوهش، این نظریه در نامه‌های خانوادگی قائم مقام در منشآت، بررسی و تحلیل می‌شود تا از این طریق، شخصیت و نحوه ارتباط وی با افراد خانواده ارزیابی شود. درباره اصول ادب نظریات متعددی بیان شده که در این مقاله از نظریه براون و لوینسون بر اساس راهبردهای ادب سلبی و ادب ایجابی، خطاب‌های مستقیم و غیرمستقیم؛ و از نظریه کالپر در رابطه با راهبرد نقض ادب ایجابی و نقض ادب سلبی، و نقض مستقیم ادب بهره‌گرفته شده است. نتایج حاصل از این جستار که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده؛ گویای این است که قائم مقام فراهانی از ادب ایجابی (۳۹.۷۵٪) برای مخاطبان خود بهره‌فرآوانی برده؛ و از ادب سلبی (۲.۷۵٪) برای بیان علاقه خود بهره‌گرفته و وجهه کمتر کسی را تهدید کرده است. نقض ادب ایجابی (۷٪) براساس عدم همدلی یا برچسب‌های نامناسب

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، Tahereh.ishany@gmail.com

** دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m_rezaei53@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، f.zokaee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

درصد کمی را به خود اختصاص داده و نقض ادب سلبی (۳.۷۵٪) - بیشتر ناشی از فروتنی - و نقض مستقیم ادب (۵.۲۵٪) - نسبت به دنیا - در این نامه‌ها بسیار کم‌شمار است. وی همچنین بیان غیرمستقیم (۲۵.۲۵٪) را که دلیل بر رفتار مؤدبانه است؛ بیش از بیان مستقیم (۱۶.۲۵٪) به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قائم مقام فراهانی، منشآت، نامه‌های خانوادگی، نظریه ادب.

۱. مقدمه

زبان راهی برای ارتباط و ابزاری جهت انتقال اطلاعات است. نقش انتقالی زبان در مباحث مربوط به زبان‌شناسی شایسته بررسی است؛ زیرا بر اساس همین نقش است که بافت زبانی تشکیل می‌شود و مورد تحلیل زبان‌شناختی قرار می‌گیرد. بنابراین، زبان یکی از راه‌های ارتباطی بشر محسوب می‌شود و در جامعه بشری نقش‌های گوناگونی همچون نقش تعاملی و نقش انتقالی ایفا می‌کند. «به آن نقش زبان که جهت ایجاد ارتباط بین انسان‌ها به کار می‌رود، نقش تعاملی گفته می‌شود. زبان غیر از نقش تعاملی نقش دیگری به نام نقش انتقالی دارد. در این نقش، زبان ابزاری برای انتقال هدفمند و آگاهانه اطلاعات به مخاطب است (براون و یول ۱۹۸۹، به نقل از آقاگل زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

تقسیم‌بندی دیگری نیز برای نقش‌های زبان وجود دارد که عبارتست از نقش تراکنشی و نقش برهم‌کنشی. به کارگیری زبان برای بیان محتوا، نقش تراکنشی و کاربرد زبان برای بیان روابط اجتماعی و نگرش‌های فردی را نقش برهم‌کنشی می‌گویند (براون و یول، ۱۹۹۸ به نقل از محمدحسینی، ۱۳۸۸: ۸۰). در واقع، نقش تراکنشی درصدد پاسخگویی به این سوال است که موضوع اصلی چیست؟ و نقش برهم‌کنشی در پی پاسخ به این پرسش است که ارتباط افراد در این موضوع با هم چگونه است؟ نقش اخیر زبان از مقوله‌های بنیادین در نظریه ادب است که در سبک‌شناسی انتقادی گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظریه ادب در ارتباط با رعایت ادب در روابط انسانی مطرح شده است. ادب، رفتار مناسب اجتماعی و آن چیزی است که از نظر اجتماعی مناسب ارزیابی می‌شود و به موقعیت اجتماعی گوینده در رابطه با شنونده بستگی دارد.^۱ به عبارت بهتر، ادب شامل رفتارهای زبانی و غیرزبانی است که از طریق آن، افراد نشان می‌دهند که احساسات دیگران را در مورد نحوه رفتار با آن‌ها در نظر می‌گیرند. با این توضیح، آشکار می‌شود ادب یک عمل اجتماعی است که از دو عنصر زبانی و غیرزبانی تشکیل شده و تحقیق درباره ادب،

مطالعه روش‌های تعاملی است که از طریق آن، افراد روابط بین فردی خود را ایجاد و حفظ می‌کنند. بنابراین، ادب یک عمل اجتماعی و در نتیجه تجسم عملکرد یک گروه اجتماعی است^۲ که نقش اصلی آن، حفظ تعادل اجتماعی و دوستانه است (کالپیر، ۲۰۱۱: ۲).

از سوی دیگر، ادب یکی از محبوب‌ترین حوزه‌های عمل‌گرایی است که سابقه آن به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد^۳. از نظر واتس (Watts) ادب عبارتست از «شناسایی یک جنبه اساسی از آنچه که به عنوان رفتار «مؤدبانه» در همه فرهنگ‌ها درک می‌شود» (همان: ۴).

همچنین لیکاف (Lakoff) ادب را «ابزاری برای کاهش اختلاف نظر در تعاملات شخصی تعریف می‌کند» (به نقل از کوتلاکی، ۱۳۹۷: ۲۲). ایده (Ide) هم ادب را انگاره ارتباط مطلوب مطرح کرده است (همان: ۲۲).

با توجه به این تعاریف و توضیحات، ادب از نکات ضروری تعامل به‌شمار می‌آید و سبب برطرف شدن اختلاف نظر می‌شود و همین مسئله باعث ارتباط و تعامل صحیح می‌شود. البته باید در نظر داشت که شاخص‌های ارتباط مؤدبانه در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است و توجه به این هنجارهای رفتاری، برای ارتباط مؤثر لازم به‌نظر می‌رسد.

چنان‌که یول (George Yule) بر این عقیده است که ادب را می‌توان به‌منزله مفهومی ثابت همچون «رفتار اجتماعی مؤدبانه» یا آداب معاشرت در نظر گرفت و برای آن در هر فرهنگ خاص، اصول کلی گوناگونی را شناسایی کرد (یول، ۱۳۹۸: ۸۲). نظریه ادب نیز بر همین اساس ارائه شده است. البته این نظریه با نام‌های دیگری همچون اصول همکاری و اصل ادب، ادب‌شناسی و ادب زبان‌شناختی نام‌گذاری شده و درباره اصول ادب نظریات متعددی بیان شده است. از میان آن‌ها گرایس، لیچ، براون و لوینسون را می‌توان نام‌برد که هر یک با تکمیل کردن نظریات دیگری، زمینه را برای پیشرفت علم زبان‌شناسی فراهم کرده‌اند. در ادامه به اختصار به بیان اصول هر یک از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون منشآت قائم‌مقام فراهانی بر اساس نظریه ادب بررسی و تحلیل نشده ولی پژوهش‌هایی بر اساس این نظریه در حوزه زبان و ادبیات فارسی انجام شده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

سید محمد حسینی (۱۳۸۸)، در مقاله «ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه»، نشانگرهای زبانی ادب در جلسات دفاع از پایان‌نامه

کارشناسی ارشد به زبان فارسی را در هنگام بیان نظر مخالف در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون بررسی و تحلیل کرده است. وی در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که عامل قدرت بر نوع و بسامد به کارگیری نشانه‌های زبانی ادب در بیان نظر مخالف تأثیر می‌گذارد، اما چگونگی این تأثیر در برخی موارد برخلاف پیش‌بینی براون و لوینسون (۱۹۸۷) و لیچ (Leech) (۱۹۸۳)، پیچیده‌تر از رابطه یک‌سویه‌ای است که از این رویکردها تصور شده است. وی بر این باور است که «در مدل براون و لوینسون بین قدرت و منزلت تمایزی گذاشته نمی‌شود.» (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۹)

معصومه خدایی مقدم و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «توصیف و تحلیل چند واژه مؤدبانه و کارکرد آن‌ها در زبان فارسی در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون» به توصیف و تحلیل پنج واژه و عبارت پرکاربرد مؤدبانه در زبان فارسی می‌پردازند. یکی از نتایج این پژوهش این است که فارسی‌زبانان گفتار مؤدبانه را فقط برای کنش‌های تهدیدکننده و جهت به‌کار نمی‌برند؛ بلکه آن را برای حفظ و تقویت وجهه و احترام به دیگران نیز به‌کار می‌گیرند. همچنین مشخص شد که عمده‌ترین استراتژی زیربنایی واژه‌ها و عبارات مؤدبانه، استراتژی ادب منفی است که افراد، بیشتر آن را با بافت‌های رسمی یا نیمه‌رسمی به‌کار می‌برند.

بهروز محمودی بختیاری و نرگس فرشته حکمت (۱۳۹۲) در مقاله «کاربست نظریه‌های زبان‌شناسی در تحلیل اثر هنری؛ کاربرد نقض اصل ادب در تحلیل نمایشنامه وای بر مغلوب غلامحسین ساعدی»، شیوه شخصیت‌پردازی در آثار ساعدی از منظر اصل نقض ادب را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با الگوهای منتج از دانش کاربردشناسی زبان به این نتیجه می‌رسند که شخصیت‌های مقتدری که از شأن و طبقه بالاتری برخوردار نیستند، به‌طور گسترده‌تری اصل ادب را نقض می‌کنند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت ساختارهای تثبیت‌شده نظام قدرت در این اثر رنگ باخته است. به‌عنوان مثال در این مقاله آمده است: «در نمایشنامه وای بر مغلوب، ساختارهای رعایت ادب به‌خصوص از جانب خانمی که کاراکتر قدرتمندتری نسبت به سایرین محسوب می‌شود، نقض می‌شوند» (محمودی بختیاری و حکمت، ۱۳۹۲: ۲۶).

محمود مؤذن‌نواده (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی گفتمان بی‌ادبی در زوجین‌سازگار ایرانی» بر اساس چارچوب بی‌ادبی کالپیر (۱۹۹۶) به بررسی گفتمان بی‌ادبی در محیط خانواده در تعامل کلامی زنان و شوهران‌سازگار ایرانی پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که زنان در محیط خانواده دو برابر شوهرانشان از توهین

استفاده می‌کنند. وی در این پژوهش در بخش پایانی بیان می‌کند: «همسران گاهی به دلایل مختلف دست به خشونت کلامی علیه یکدیگر می‌زنند که اگر این امر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند منجر به پدید آمدن شکاف‌های عمیق در روابط عاطفی دو همسر گردد» (مؤذن نوده، ۱۳۹۲: ۱۹). چنان‌که مشاهده می‌شود پژوهش‌های یادشده برخی بر اساس نظریه ادب براون ولوینسون و برخی بر اساس نظریه بی‌ادبی کالپیر نوشته شده‌اند؛ ولی پژوهش حاضر بر اساس هر دو نظریه انجام شده‌است.

۳. بیان مسأله

یکی از گونه‌های ادبی که ارتباط را با یکدیگر آشکار می‌سازد و می‌توان آن را بر اساس نظریه ادب، تحلیل سبکی انتقادی نمود؛ نامه‌هایی است که بین شخصیت‌های مهم ادبی، فرهنگی و گاه سیاسی، و یا افراد خانواده ردّ و بدل می‌شود. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود؛ نامه‌های خانوادگی در منشآت قائم مقام فراهانی بررسی می‌شود تا افزون بر شناخت دقیق‌تر این شخصیت مهم تاریخی و البته ادبی، از طریق آن بتوانیم به نحوه روابط وی با هریک از اعضای خانواده پی‌ببریم. برای رسیدن به این هدف، در پی درک مفاهیم زیر هستیم:

- مؤلفه‌های رویکرد مورد نظر در این پژوهش را در نامه‌های خانوادگی قائم مقام دریابیم.
- وجهه نویسنده و مخاطب یا مخاطبان در این نامه‌ها بر اساس رویکرد مورد نظر را نشان دهیم.
- ویژگی‌های اخلاقی قائم مقام در ارتباط با افراد خانواده را بیان کنیم.
- چگونگی رفتار قائم مقام با افراد خانواده را آشکار سازیم.

۴. مبانی نظری پژوهش

از نظر گرایس (Grice) هدف اصلی گفتگو ردّ و بدل کردن مؤثر ارتباط است و سامان‌دادن به گفتگوهای دو طرف ارتباط برای تأثیر بیشتر بر یکدیگر است (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). نتیجه این عمل دستیابی به هدف و مقصود مشترکی است که اختلاف نظرها را پشت سر می‌گذارد و در راستای یک همکاری صورت می‌گیرد که شامل چهار اصل است: کمیت،

کیفیت، ارتباط، و روش (کشور دوست، ۱۳۹۲: ۱۳۴). لیچ به انتقاد از اصول همکاری گرایس پرداخت و آن را جهت توصیف تعامل بین سخن‌گویان کافی ندانست و دست به تکمیل این اصول زد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۹). اصول لیچ عبارتند از: اصل تدبیر، اصل سخاوت، اصل تأیید، اصل فروتنی، اصل توافق و اصل هم‌دردی (کوتلاکی، ۱۳۹۷: ۳۱). این اصول در یک رابطه حداقل دو طرفه امکان‌پذیر است.

یکی دیگر از نظریات مطرح‌شده درباره اصول ادب، نظریه براون و لوینسون است. در واقع، زمانی که گرایس اول بار اصول همکاری خود را بیان کرد، در کنار این اصول، بعد از آن براون و لوینسون به تکمیل آن پرداختند (باغبانی و کرم‌پور، ۱۳۹۶: ۷). «براون و لوینسون وجهه (FACE) و مفهوم ادب را از گافمن (۱۹۶۷: ۱۲) وام گرفتند». در نظریه ادب براون و لوینسون، وجهه شنونده و به کارگیری راهبردهایی به منظور کاهش میزان تهدید آن، مورد توجه است (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۱). آن‌ها وجهه را این گونه تعریف می‌کنند: «یک تصویر عمومی از خود که هر شخصی می‌خواهد برای خود داشته باشد» (واردهو و فولر، ۱۳۹۶: ۵۳). هدف از رعایت ادب تنها حفظ وجهه خود نیست؛ بلکه به منظور حفظ وجهه خود و دیگری در تعاملات اجتماعی، رعایت ادب صورت‌می‌گیرد (همان: ۶۷). چنان‌که مشاهده می‌شود این نظریه بر اساس مفهوم کلیدی و اصلی «وجهه» پایه‌ریزی شده است. بنابراین، قبل از توضیح این نظریه ضروری است مفهوم وجهه تعریف شود.

گافمن (Goffman) وجهه را چنین تصویر می‌کند: «شخصی‌ترین دارایی یک فرد و قانون امنیت و شادمانی او» که البته «از طرف جامعه به او وام داده شده است» و از او پس گرفته خواهد شد مگر اینکه او خود طوری عمل کند که خود را لایق داشتن آن نشان دهد» (کوتلاکی، ۱۳۹۷: ۳۵). از این سخن چنین برمی‌آید که چون وجهه وام داده شده، پس قابل بازپس‌گیری است. توجه به وجهه محدودیت‌هایی را برای اشخاص فراهم می‌کند و رفتار اجتماعی انسان براساس وجهه او رقم می‌خورد. گفتنی است اگر چه گافمن در بررسی‌های خود هیچ‌گاه به موضوع ادب نپرداخته (همان: ۳۵)؛ اما مفهوم ادب در زبان‌شناسی مدیون کار گافمن بر روی وجهه است (واردهو و فولر، ۱۳۹۶: ۵۳). به‌طور کلی وجهه در جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی این گونه درک می‌شود: «خود انگاره عمومی که به‌صورت متقابل توسط شرکت‌کنندگان یک ارتباط حفظ و نگهداری می‌شود» (خدایی‌مقدم و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸) و به اشکال مختلف خود را نمایان می‌کند.

نظریه براون و لوینسون از دو بخش اصلی تشکیل شده است. قسمت اول نظریه بنیادی درباره ماهیت ادب و نحوه عملکرد آن در تعامل و قسمت دوم شامل لیستی از راهبردهای «ادب» با مثال‌هایی در ارتباط با آن است.^۵ براون و لوینسون در تحقیق خود سعی می‌کنند که چارچوب و اعمالی را که وجهه را تهدید می‌کند با یکدیگر مرتبط سازند و متغیرهای جامعه‌شناختی تأثیرگذار بر تهدید وجهه را بررسی می‌نمایند (کالپر، ۲۰۱۱: ۶). آن‌ها برای هر فرد دو وجهه مثبت و منفی قایل هستند. وجهه مثبت میل فرد است بر این که خواسته‌هایش در تعاملات اجتماعی مورد تأیید واقع شود؛ در حالی که وجهه منفی بر تمایل فرد نسبت به آزادی عمل دلالت می‌کند (صفا، مقدم، ۱۳۸۸: ۸۰). وجهه مثبت را وجهه ایجابی و وجهه منفی را وجهه سلبی نیز می‌نامند. گفتنی است وجهه ایجابی (مثبت) و وجهه سلبی (منفی) دو قطب مخالف هم محسوب می‌شوند و بار ارزشی مثبت و منفی ندارند (یول، ۱۳۹۸: ۸۴). در واقع، وجهه منفی دارای بار معنایی منفی نیست؛ پس نمی‌توان این دو را از مقولات ادب و بی‌ادبی دانست. در واقع براون و لوینسون می‌گویند ادب مثبت درخواست‌های فردی است که خواسته‌های او برای دیگران مطلوب است (۱۹۸۷: ۳۱۲) و درخواست‌هایی که به مخاطب تحمیل می‌شوند، ادب منفی است (۱۹۸۷: ۷۰).

در واقع، هر درخواستی و هر رویارویی اجتماعی حامل هر دو نوع وجهه است؛ اما گاهی گویندگان اعمال تهدید وجهه را نیز انجام می‌دهند. منظور از این مطلب، کنش‌گفت‌هایی است که هر دو نوع وجهه سلبی و ایجابی را تهدید می‌کند (وارد هو و فولر، ۱۳۹۶: ۵۴). به این ترتیب در تعاملات کلامی هر وجهه‌ای می‌تواند با یک کنش تهدیدگر روبرو شود. به همین دلیل رفتار مؤدبانه برای از میان برداشتن چنین کنش‌هایی صورت می‌گیرد؛ کنش‌هایی که از طریق راهبردهای مثبت و منفی مؤدب بودن با هدف برآوردن نیازهای وجهه مثبت و منفی به کار می‌روند (کوتلاکی، ۱۳۹۸: ۴۰). توجه به این نیازها در ارتباط دو سویه انسانی ضروری است. «در زمان تعامل بایستی از هر دو نوع وجهه باخبر باشیم و بر اساس آن راهبرد ادب مناسب را به کارگیریم» (وارد هو و فولر، ۱۳۹۶: ۵۴). نیاز مخاطب به استقلال، آزادی عمل، و عدم تحمیل از جانب دیگران با نیاز وی به دوست داشته شدن و پذیرش در گروه و پیوند داشتن با دیگران متفاوت است؛ آگاهی گوینده از این نیازها در انتخاب راهبرد ادب مناسب تأثیرگذار است.

«براون و لوینسون استدلال می‌کنند که ارزیابی میزان تهدید وجهه یک عمل خاص شامل سه متغیر جامعه‌شناختی است:

۱. فاصله: یک بعد اجتماعی متقارن از شباهت/ تفاوت بین گوینده و شنونده است. دو عمل متقابل دادن و دریافت وجهه مثبت، علامت نزدیکی اجتماعی است.
 ۲. قدرت نسبی شنونده نسبت به گوینده یک بعد نامتقارن اجتماعی است. قدرت نسبی درجه‌ای است که گوینده می‌تواند برنامه‌ها و ارزیابی خود را تحمیل کند.
 ۳. رتبه‌بندی مطلق که به ترتیب تحمیل‌ها با توجه به شدت آنها اشاره دارد که در یک فرهنگ و موقعیت خاص وجهه متقابل را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کالپیر، ۲۰۱۱: ۷).
- از سوی دیگر، تعاملات کلامی بر اساس نظر براون و لوینسون می‌تواند تهدیدگر و یا حافظ وجهه باشند. بر این اساس، نوع بیان مستقیم بدون کنش جبرانی می‌تواند کنش تهدیدگر وجهه، و نوع خطاب غیرمستقیم می‌تواند کنش حافظ وجهه باشد. با این همه، استفاده از عبارات مستقیم نشان‌دهنده سلطه گوینده است؛ ولی اگر این عبارات در تعامل‌های افراد هم‌تراز اجتماع به‌کار رود، نشان‌دهنده کنش تهدیدکننده وجهه است. در مقابل آن، کنش حافظ وجهه را داریم (یول، ۱۳۹۸: ۸۳).
- از نظر براون و لوینسون راهبردهای خروجی ادب مثبت (ایجابی) عبارتند از: (۱) توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب، (۲) اغراق در علائق، حمایت و همدردی با مخاطب و حق دادن به وی (۳) افزودن بر علاقه و رغبت مخاطب، (۴) استفاده از نشانگرهای میان‌گروهی، (۵) جستن توافق، (۶) پرهیز از مخالفت، (۷) پیش‌فرض / ایجاد / ادعای ضمیمه مشترک، (۸) جوک، (۹) بیان یا پیش‌فرض گرفتن این که گوینده از خواسته‌های مخاطب مطلع است و آن‌ها را می‌پسندد، (۱۰) پیشنهاد، قول، (۱۱) خوش بین بودن، (۱۲) درگیر کردن گوینده و شنونده در یک فعالیت، (۱۳) ارائه دلیل، (۱۴) فرض را بر رابطه متقابل گذاشتن، (۱۵) هدیه دادن به مخاطب (کالا، همدردی، درک کردن، همکاری کردن) (کالپیر، ۲۰۱۱: ۱۰).
- بر همین اساس راهبردهای خروجی ادب منفی (سلبی) عبارتند از: (۱) بیان غیرمستقیم متداول و بیان بی‌واسطه، (۲) سؤال، نشانگر احتیاط، (۳) بدبین بودن، (۴) به حداقل رسانی تحمیل (میل فرد به آزادی در اجتماع و بیزاری از تحمیل)، (۵) احترام گذاشتن، (۶) عذرخواهی، (۷) شخصی‌زدایی گوینده و شنونده (ساخت‌های غیر شخصی)، (۸) بیان عمل تهدیدکننده به صورت یک قانون عمومی (بیان قاعده کلی)، (۹) اسم‌سازی، (۱۰) بیان آشکار مدیون بودن به شنونده و مدیون نبودن شنونده (همان: ۱۰).

یکی از راه‌های درک ادب درک بی ادبی است. بی ادبی یک نوع اعمال قدرت است. بی ادبی و قدرت دو مؤلفه غیرقابل تفکیک هستند زیرا گوینده‌ای که در اثر یک گفتار وجهه‌اش آسیب دیده، ناگهان گزینه‌های پاسخ خود را به شدت محدود می‌کند. علاوه بر این مشخص شده است که افراد قدرتمند نسبت به افراد ضعیف بی ادبانه‌تر رفتار می‌کنند.^۶ محققان می‌گویند پیام‌هایی که ما در ارتباطات روزمره خود ارسال می‌کنیم فضای ارتباطی یک رابطه را ایجاد می‌کنند. پیام‌های مثبت فضای ارتباطی مثبتی را ایجاد می‌کنند. در مقابل پیام‌های منفی جو ارتباطی منفی ایجاد می‌کنند.^۷

با توجه به این توضیحات مشخص می‌شود کنش‌های تهدیدگر قادرند وجهه مثبت یا ادب ایجابی و وجهه منفی یا ادب سلبی را به خطر بیندازند. اگر این کنش‌های تهدیدگر به صورت مستقیم و بدون کنش‌های جبرانی انجام شود به نقض ادب می‌انجامد.

راهبردهای خروجی بی ادبی مثبت (نقض ادب ایجابی) از نظر کالپیر عبارتند از: (۱) نادیده گرفتن، بی‌اعتنایی به دیگری، (۲) دیگری را از فعالیتی محروم کردن، (۳) با دیگری همراهی نکردن، (۴) نشان ندادن علاقه، توجه و همدردی، (۵) استفاده از نشانگرهای هویتی نامناسب (برچسب‌های نامناسب)، (۶) استفاده از زبان سرّی یا مبهم، (۷) دنبال عدم توافق بودن، (۸) از توافق امتناع کردن، (۹) باعث ناراحتی / ناآرامی دیگری شدن، (۱۰) استفاده از کلمات تابو، (۱۱) نام گذاشتن بر شنونده (میرحسینی و دیگران، ۲۰۱۷: ۲۲۴).

راهبردهای خروجی بی ادبی منفی (نقض ادب سلبی) نیز عبارتند از: (۱) ترساندن، (۲) تحقیر کردن، خوار شمردن یا مسخره کردن، (۳) به حریم دیگری تجاوز کردن، (۴) به وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن، (۵) آشکارا مدیون بودن مخاطب را گوشزد کردن، (۶) ممانعت به عمل آوردن (همان: ۲۲۴).

در این مقاله با استناد بر نظریه براون و لوینسون بر اساس راهبردهای ادب سلبی و ادب ایجابی، خطاب‌های مستقیم و غیرمستقیم، و بر اساس نظر کالپیر در رابطه با راهبرد نقض ادب ایجابی و نقض ادب سلبی و راهبرد نقض مستقیم و بدون ابهام؛ به بررسی نامه‌های خانوادگی منشآت قائم مقام می‌پردازیم. پیش از پرداختن به این موضوع لازم است؛ به اختصار به معرفی قائم مقام و منشآت وی پردازیم.

۵. معرفی قائم مقام و منشآت وی

میرزا ابوالقاسم فرزند سید الوزرا عیسی معروف به میرزا بزرگ از سادات حسینی و از مردم هزاره از توابع اراک در سال ۱۱۹۳ هجری به دنیا آمد. نزد پدر دانشمند خود، به تحصیل پرداخت و در آغاز جوانی به خدمات دولتی پیوست. مدت‌ها در تهران به انجام امور دولتی پرداخت و سپس به تبریز نزد پدرش رفت؛ که وزارت آذربایجان را داشت و یک چند در دفتر عباس میرزا ولیعهد به نویسندگی مشغول شد. پس از آن که پدرش گوشه نشینی اختیار کرد، پیشکاری ولیعهد را به عهده گرفت. وی پس از درگذشت پدرش - با نزاعی که بین میرزا ابوالقاسم و میرزا موسی برادرش بر سر جانشینی پدر در گرفت - به امر فتحعلی شاه با تمام امتیازات پدر به جای او نشست و سید الوزرا و قائم مقام لقب یافت. قائم مقام مردی بینا و مغرور، باهوش و صاحب‌فکر و عزم ثابت و خلاصه یک سیاستمدار مطلع بود. او در عین حالی که به سیاست پرداخته در پهنه ادب فارسی صاحب آثار ارزشمندی نیز بوده است. مهمترین اثر او منشآت وی است که حاوی چند رساله و نامه‌های دوستانه و سیاسی است که از جانب خود یا شاه و ولیعهد به افراد مختلف نوشته است. از دیگر آثار او دیوان اشعار (حاوی حدود سه هزار بیت) و مثنوی جلازنامه (بر سیبیل مزاح به نام غلام خود جلازیر سروده است) را می‌توان نام برد (ن.ک: ه. سبحانی، ۱۳۸۶: ۵۰۷-۵۰۶). منشآت قائم مقام از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است. به طور کلی این کتاب از دو نظر حایز اهمیت است:

الف) از نظر ارزش ادبی: به سبب نثر روان و شیرین، سبک سلیس و محکم، ترکیبات صحیح و ساده آن است. قائم مقام با احاطه ادبی و قدرت قلم خود بساط نثر مغلق و پیچیده بعد از مغول را که در دوره افشاریه و زندیه به نهایت ابتدال رسیده بود؛ از بین برد و نثر ساده و روان را جانشین آن کرد، که نثر امروز ما دنباله همان است.

ب) اهمیت تاریخی: از خلال این نامه‌ها می‌توان به وضع سیاسی، اجتماعی و تاریخی اوایل دوره قاجار پی برد. اوضاع داخلی دربار و خادمان و خائنان به کشور توصیف شده و منفعت‌طلبی فتحعلی شاه و مسحور اطرافیان بودن وی به خوبی مطرح گشته است؛ که مورخان دیگر یا به مقتضای حال و زمان و یا به خاطر مصالح شخصی از بیان آن چشم‌پوشی کرده‌اند (ن.ک: قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۳۴ مقدمه).

گفتنی است «منشآت در اصطلاح ادبی، مجموعه‌ای از نامه‌های دیوانی یا دوستانه است که منشی دیوانی یا نویسنده غیر دیوانی نوشته باشد» (مهدیزاده، ۱۳۷۸: ۶۴).

منشآت و مکاتیب علاوه بر جنبه‌های زبان‌شناسی و ادبی به لحاظ انعکاس اوضاع اجتماعی و رخداد‌های تاریخی سودمند است. با مطالعه هر یک از آن‌ها به اصطلاحات دیوانی و وضع معیشتی مردم و جریان‌ات اجتماعی و تاریخی ادوار مختلف پی می‌بریم (همان: ۶۵-۶۷).

۶. تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم‌مقام فراهانی

منشآت قائم‌مقام دارای ۱۱۷ نامه سیاسی، ۵ رقم حکومتی و ۱۱ نامه خانوادگی است. پیکره پژوهش در این جستار، نامه‌های خانوادگی قائم‌مقام است که مخاطب آن‌ها، افراد خانواده وی هستند. این نامه‌ها شامل موارد زیر هستند:

- سه نامه خطاب به شاهزاده گوهر ملک ملقب به شاه بی بی همسر اول قائم‌مقام فراهانی (با مضامینی همچون ابراز علاقه، بیان مشغله‌های بسیار کاری، درد دل و همچنین هم‌دردی و ابراز تأسف از مرگ ولیعهد)؛
- سه نامه به فرزند ارشد میرزا محمد وزیر (با تأکید بر دوستی، پند و اندرز وی، محو نمودن برخی کارها و آموزش نحوه انجام امور مملکت)؛
- چهار نامه به حاجی میرزا موسی خان، برادرش (با مضامینی همچون سفارش‌های لازم در رابطه با مخارج، امور منزل، اطرافیان و مهمانان؛ رتق و فتق امور و...) است.
- یک نامه به برادر همسرش؛ مؤیدالدوله طهماسب میرزا (فرزند ارشد فتحعلی شاه قاجار)، (با مضمون درخواست ترک تصدی برخی امور که البته طهماسب میرزا با آن مخالفت می‌کرده است).

۱.۶ تحلیل نامه‌های نوشته‌شده به همسرش؛ گوهر ملک خانم

قائم‌مقام سه نامه به همسر اول خود نوشته است. مهم‌ترین همسر قائم‌مقام گوهر ملک خانم ملقب به شاه بی بی دختر فتحعلی شاه بود. وی زنی عصبی، تندمزاج، مغرور و بدگمان بوده؛ و فرزندی نیز از وی متولد نشده؛ قائم‌مقام هم دل خوشی از او نداشته است.^۱ چنان‌که از بررسی فحوای نامه‌ها مشخص شد و در نمودار زیر نشان داده شده است؛

ادب ایجابی در میان مؤلفه‌های دیگر نظریه ادب بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. این امر حکایت از رفتار مؤدبانه قائم مقام با همسرش دارد و نشانگر میزان احترام فراوانی است که برای او قائل است. چنان‌که مثال‌های زیر گویای این امر هستند:

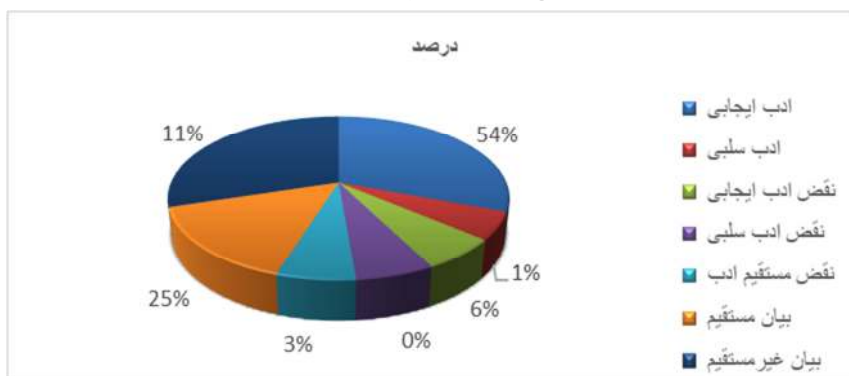
- «شاهزاده جان فدایت شوم» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۵۸)

- «پیشکش را خواسته بودید» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۶۰)

کاربست افزون‌تر بیان غیرمستقیم نسبت به بیان مستقیم نیز مؤید این موضوع است و بیانگر رعایت ادب و رفتار مؤدبانه وی با همسر خود است. مثال‌های زیر شاهدهی بر این ادعا است:

- «دیشب اینجا نبودید، اوقات بر من تلخ بود» (همان: ۶۰)

- «که دیشب از دست شما هیچ کار از پیشم نرفته» (همان: ۶۰)



نمودار ۳-۱. درصد کاربرد مؤلفه‌های نظریه ادب در نامه‌های قائم مقام به همسرش

ادب سلبی در این نامه‌ها بیشتر با تأکید بر علاقه و نیز تأکید بر زهد و دنیا‌گریزی و تأکید بر آزادی عمل وی به کار رفته است. چنان‌که در نمونه‌های زیر مشاهده می‌شود:

- «شد دل من بسته آن زلف چو زنجیر» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۵۹)

- «و دایم در این اندیشه و تدبیرم که شاید نقصی جویم و کناری گیرم» (همان: ۵۸)

از سوی دیگر، نقض ادب ایجابی - که برخاسته از همدلی نداشتن با بعضی امور است - نسبت به نقض ادب سلبی - که ناشی از فروتنی کاربر آن است - از درصد بالاتری برخوردار است. در واقع، اگرچه همسرش مقام شاهزادگی دربار را هم دارد؛ اما قائم مقام در تدبیر مسائل مربوط به خانواده با اقتدار عمل نموده است.

نقض مستقیم و بدون ابهام در این نمودار از درصد چندانی برخوردار نیست که باز هم نشان از رفتار مؤدبانه قائم‌مقام با همسرش دارد.

به طور کلی قائم مقام با رفتاری مؤدبانه با همسر خود برخورد و در کنار این احترام، اقتدار خود را هم حفظ کرده ولی برای رعایت این اقتدار به نقض ادب متوسل نشده‌است. تواضع، اقتدار و ادب در این نامه‌ها موج می‌زند که هر سه این موارد دیدگاه وی را نسبت به همسرش به نمایش گذاشته‌است.

۲.۶ تحلیل نامه‌های نوشته‌شده به فرزند ارشد، میرزا محمد وزیر

قائم مقام سه نامه به پسر خود میرزا محمد نوشته‌است. قائم مقام سه پسر به نام‌های میرزا محمد و میرزا علی معروف به قائم مقام سوم و میرزا ابوالحسن خان داشت. میرزا محمد پسر بزرگ قائم مقام ملقب به میرزا محمد وزیر بود (ن.ک: متشرعی، ۱۳۸۷: ۳۷۹). هر سه نامه‌ای که قائم مقام در منشآت به فرزندش نوشته شده، خطاب به میرزا محمد بوده‌است. این نامه شامل پند و اندرز و سفارش انجام بعضی کارها به فرزند است. بر اساس نمودار زیر بهره‌گیری قائم مقام از ادب ایجابی نسبت به ادب سلبی از بسامد بسیار قابل توجهی برخوردار است که نشان از ادب رفتار و گفتار قائم مقام با فرزند دارد که حتی نصایح و پندهای خود را نیز با رعایت ادب بیان می‌کند. چنان‌که در نمونه‌های زیر مشاهده می‌شود:

- «پسر، نور بصرم، من از تو غافل نیستم» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۶۱)

- «هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی» (همان: ۶۱)



نمودار ۳-۲. درصد کاربرد مؤلفه‌های نظریه ادب در نامه‌های قائم مقام به پسرش محمد میرزا

میزان اندک ولی معنادار ادب سلبی زمانی به کار رفته که قائم مقام خواسته علایق و خواسته‌های خود را برای فرزند بازگو نماید. بهره‌گیری قائم مقام از بیان مستقیم با بسامد بسیار بالا نشان از اقتدار و سلطه قائم مقام بر فرزند دارد؛ اگرچه گاهی از بیان غیرمستقیم بهره برده که حاکی از احترام وی نسبت به فرزند است؛ اما این امر از اقتدار وی نکاسته است.

از سوی دیگر، نقض ادب ایجابی بیشترین کاربست را در میان نقض‌ها به خود اختصاص داده است. این امر نشان از همراه و همدل نبودن پدر با بعضی از کارها و رفتارهای فرزند بوده است و از سویی انجام بعضی کارها را به فرزند سپرده است و در مورد کارهای افراد دیگری عدم همدلی خود را بازگو کرده است. چنان‌که مثال‌های زیر گویای این امر هستند:

- «گشت باغ و سیر راغ شیوه درویشان است نه عادت بی‌ریشان» (قائم مقامی، ۱۳۳۷):

(۶۱)

- «چون سرهنگ و مهدیخان پرجورند» (همان: ۲۱۷)

قائم مقام از نقض ادب سلبی در این نامه استفاده نکرده است که این موضوع خود شاهدهی است بر این که قائم مقام از تحقیر و نزاع و دشمنی با فرزند خودداری نموده است. نقض مستقیم ادب با تهدید نیز از درصد کمی برخوردار است. مواردی که قائم مقام از این مؤلفه استفاده نموده، به شرح زیر است:

- «زحمت ببرد ز پیش مستان» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۶۷)

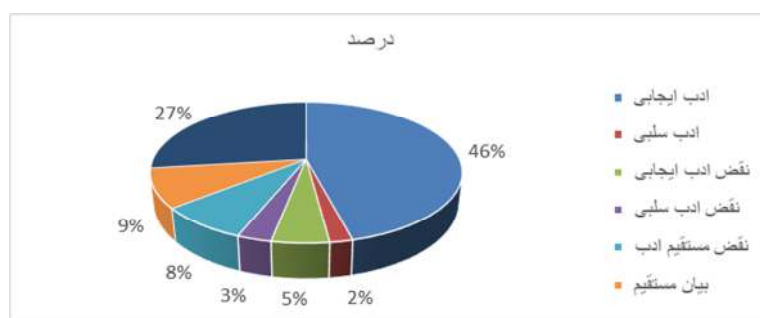
- «تو چرا از خود غافل» (همان: ۶۱)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت رفتار قائم مقام در این نامه‌ها - نسبت به فرزندش رفتاری متعادل، مقتدرانه و البته محترمانه بوده است.

۳.۶ تحلیل نامه‌های نوشته‌شده به برادرش حاجی میرزا موسی خان

قائم مقام چهار نامه به برادر خود نوشته است حاجی میرزا چهارمین فرزند میرزا عیسی و برادر قائم مقام است که از افراد بنام دوره قاجار به حساب می‌آید (ن.ک: متشرعی، ۱۳۸۷: ۳۷۹). قائم مقام چهار برادر داشته که کوچکترین آن‌ها میرزا موسی بوده است. بعد از مرگ پدرش میرزا بزرگ قائم مقام بین او و برادر بر سر جانشینی پدر نزاعی درگرفت. حاجی

میرزا آغاسی به حمایت از میرزا موسی برخاست اما به امر فتحعلی شاه میرزا ابوالقاسم جانشین پدر شد (ن.ک: ه. سبجانی، ۱۳۶۸: ۵۰۶). همان‌طور که در نامه‌ها آمده است قائم مقام وی را امین خود می‌دانست؛ و کارهای زیادی را به او محول می‌کرد. براساس نمودار زیر در نامه‌های نوشته شده قائم مقام خطاب به برادرش حاجی میرزا موسی خان، ادب ایجابی بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده که نشان از ادب رفتار و گفتار قائم مقام و همدلی او با برادر خویش دارد.



نمودار ۳-۳. درصد کاربرد مؤلفه‌های نظریه ادب در نامه‌های قائم مقام به حاجی میرزا موسی خان

ادب سلبی در مقایسه با ادب ایجابی کاربرد بسیار اندکی داشته که چندان قابل توجه نیست. از سوی دیگر، بهره‌گیری از بیان غیرمستقیم در مقایسه با بیان مستقیم بسامد افزونتری دارد که مؤید گفته پیشین درباره گفتار و رفتار مؤدبانه قائم مقام نسبت به برادرش است. همین میزان کمتر بیان مستقیم نسبت به بیان غیرمستقیم در این نامه‌ها می‌تواند گویای اقتدار نسبی وی در سفارش انجام کارها در عین احترام نیز باشد. چنان‌که مثال‌های زیر گویای این امر هستند:

- «و صلاح نمی‌دانم که حالا که وزیر از ما شاکی شده حاجی را از آن‌جا بردارند»
(قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۷۹)

- «کاغذهاش را که من خواندم و از احوالش استحضار به هم‌رسانیدم بسیار بسیار
تأسف بر حالش خوردم» (همان: ۷۸)

البته چنان‌که در جدول بالا مشاهده می‌شود؛ بهره‌گیری قائم مقام از مؤلفه نقض مستقیم ادب در این نامه‌ها از بسامد شایان توجهی برخوردار است که این نقض یا از زبان دیگران صورت گرفته یا با جنبه تهدید دیگرانی غیر از برادر بیان شده و در تناقض با موارد

پیش گفته نیست. نقض ادب ایجابی به کار رفته در این نامه‌ها بیشتر حاصل عدم همدلی وی با برادرش در پاره‌ای از مسائل بوده و نقض ادب سلبی هم بیشتر با تأکید بر فروتنی قائم مقام دیده می‌شود. مثال‌های زیر شاهدهی بر این ادعا است:

- «لیکن از احوال طفل‌ها و اوضاع خانه هیچ ننوشته بودی» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۶۱)

- «می‌میرم و می‌دهم» (همان: ۶۲)

به طور کلی گفتار و رفتار قائم مقام نسبت به برادرش حاجی میرزا موسی خان در کمال ادب و احترام بوده، رابطه صمیمانه‌ای با وی داشته و البته با اقتدار فراوان به رتق و فتق امور از طریق نامه‌هایش پرداخته است.

۴.۶ تحلیل نامه نوشته شده به برادر همسرش؛ مؤیدالدوله طهماسب میرزا

قائم مقام یک نامه به طهماسب میرزا نوشته است. طهماسب میرزا نوه فتحعلی شاه و پسر محمدعلی میرزا دولت‌شاه بود (ن.ک: اعتضادالسلطنه، ۱۸۵: ۱۳۷۰). وی پس از فوت پدرش در دستگاه عموی خود عباس میرزا نایب السلطنه وارد خدمت شد. عباس میرزا از او نگهداری می‌کرد و بعد او را به دامادی خود برگزید. طهماسب میرزا حاکم کاشان، همدان، کرمان، فارس، و کرمانشاه و همچنین در دارالشوری کبری دوره قاجار بود. در فارسنامه ناصری نقل شده است زمانی که مؤیدالدوله والی فارس بود خدمات زیادی را انجام داد از جمله هنگامی که ایل بختیاری توسط عده‌ای غارت شد اموال آنان را از غارتگران پس گرفت و به آنان استرداد نمود (ن.ک: فسایی، ۱۳۸۸: ۷۸۱).



نمودار ۳-۴. درصد کاربری نظریه‌های ادب در نامه‌های قائم مقام به طهماسب میرزا

براساس نمودار بالا، ادب ایجابی براساس راهبرد احترام و همدلی بالاترین درصد را به خود اختصاص داده که شاهدهی است بر رفتار مؤدبانه قائم مقام و همچنین میزان احترام و اقتداری که برای مخاطب خود قائل بوده است. چنان که مثال‌های زیر گویای این امر هستند:

- «نفسی فدای لارض انت ساکنها» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۵۷)

- «در نظر شریف هست که هنگام ادراک حضور، مکرر در خلوت‌های او تراق و روزهای سواری عجز و الحاح و اضطرابی می‌کردم» (همان: ۵۷)

ادب سلبی بیانگر تمایلی است که وی به آزادی دارد. او بیشتر قصد دارد که از دست دنیا و تعلقات آن رهایی و آزادی یابد؛ و این تمایل نشان دهنده دنیا‌گریزی و زهد قائم مقام است. از آنجایی که در جای جای این نامه از فریبکاری‌های دنیا سخن گفته است و تنها مردان بزرگ را قادر به رهایی از تعلقات دنیوی می‌داند. چنان که مثال‌های زیر مؤید این موضوع هستند:

- «دست از این پیره‌زنه بردارم» (همان: ۵۷)

- «یکباره طلاقتش بدهم» (همان: ۵۷)

بیان غیرمستقیم در این نامه درصد بیشتری را نسبت به بیان مستقیم به خود اختصاص داده است که بیانگر برتری شاهزاده طهماسب میرزا و سلطه او بر قائم مقام است؛ و همین‌طور اشاره به حق‌شناسی قائم مقام دارد. مثال‌های زیر شاهدهی بر این ادعا است:

- «شما منع و تحذیر فرمودید» (قائم مقامی، ۱۳۳۷: ۵۷)

- «و مرا همچنان دستاق و اسیر در چنگ عجزوک نادلپذیر گذاشتید» (همان: ۵۷)

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های حاصل از این پژوهش، اکنون مفاهیم زیر را از این جستار می‌توان دریافت.

- همه مؤلفه‌های اصول ادب براون و لوینسون و مؤلفه‌های بی‌ادبی کالپیر در نامه‌های خانوادگی قائم مقام دیده می‌شود.

- وجهه نویسنده و مخاطب یا مخاطبان در این نامه‌ها وجهه‌ای کاملاً مؤدبانه و اخلاق‌مدارانه است.

- ویژگی‌های اخلاقی قائم مقام در ارتباط با افراد خانواده رعایت احترام، نظارت مستقیم و نصیحت‌گویی در هنگام لزوم است.

از سوی دیگر، بر اساس بررسی‌های انجام‌شده و با توجه به جدول ذیل در زمینه نحوه به کارگیری اصول ادب بر اساس نظریه براون و لوینسون و نقض اصول ادب بر اساس نظر کالپیر در نامه‌های خانوادگی قائم مقام می‌توان گفت قائم مقام بیشترین درصد کاربرد ادب ایجابی را در نامه‌هایی که به فرزند خود نوشته، به کار برده‌است. این مؤلفه مواردی همچون تأکید بر انس و دوستی، همدلی در کارها، راهبرد احترام و در استفاده از القاب بوده‌است. رعایت ادب ایجابی نسبت به فرزند بیشتر به واسطه اموری بوده که به وی محول کرده و نیز سفارشات است که در مورد افراد مختلف - به خصوص در مورد حرکت محمد میرزا ولیعهد به تهران به او- نموده‌است. همچنین ادب سلبی در نامه‌های وی خطاب به فرزند باز هم بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده که ناشی از تأکید بر علاقه نسبت به فرزند و مردمی بوده که رتق و فتق امورشان - به واسطه صاحبکار- به دست وی بوده‌است.

جدول ۴-۱. بررسی مقایسه‌ای درصد کاربرد مؤلفه‌های نظریه ادب در نامه‌های خانوادگی قائم مقام

مؤلفه‌های نظریه ادب بر اساس نظر براون و لوینسون، و کالپیر	گوهر ملک خانم	فرزندش: میرزا محمد وزیر	برادرش: حاجی میرزا موسی خان،	برادر همسرش: طهماسب میرزا
ادب ایجابی	۳۴٪	۵۴٪	۴۶٪	۲۵٪
ادب سلبی	۵٪	۱٪	۲٪	۳٪
نقض ادب ایجابی	۷٪	۶٪	۵٪	۱۰٪
نقض ادب سلبی	۲٪	۰٪	۳٪	۱۰٪
نقض مستقیم ادب	۲٪	۳٪	۸٪	۸٪
بیان مستقیم	۱۷٪	۲۵٪	۹٪	۱۴٪
بیان غیرمستقیم	۳۳٪	۱۱٪	۲۷٪	۳۰

از سوی دیگر، فراوانی نقض ادب ایجابی بیشتر متوجه نامه‌ای است که به برادر همسر - یکی از شاهزاده‌های قاجار- نوشته است که البته این کاربرد در ارتباط با دنیا و امور دنیوی بوده‌است و نه شخص شاهزاده. این امر حاکی از عدم همدلی و به عبارتی همراهی نکردن وی با دنیا و امور دنیوی است و همه این نقض‌ها برچسب‌های نامناسبی بوده که به دنیا زده که نشان از روحیه زهدورزی و دنیاگریزی وی دارد. بیشترین بهره‌گیری قائم مقام از نقض ادب سلبی باز هم در نامه‌ای که به همان شاهزاده نوشته؛ دیده‌می‌شود که به دلیل تواضع و

فروتنی وی نسبت به شاهزاده و همچنین ترس از انتقال یا انعکاس نادرست خواسته‌هایش نزد او دارد. این امر بیانگر خودکم‌بینی قائم مقام در مقابل شاهزاده است. همچنین در نامه‌ای که به شاهزاده نوشته؛ بیشترین نقض مستقیم ادب مشاهده می‌شود که آن هم در ارتباط با دنیا به کار رفته و باز هم تأییدی بر رهایی وی از تعلقات دنیوی، زهدورزی و دنیاستیزی است. بیشترین نقض مستقیم ادب به همان میزانی که در نامه به شاهزاده وجود دارد؛ در نامه‌هایی که به برادرش نوشته نیز به کار رفته است. با این تفاوت که در این نامه‌ها سخن از دنیاگریزی و بدگویی قائم مقام نسبت به دنیا و امور دنیوی نیست؛ بلکه تهدید وجهه‌ای است که نسبت به بعضی از کارهای برادر، بعضی از آشنایان و برخی از صاحب منصبان دولتی دارد که با ظلم و بی‌داد آن‌ها مخالف بوده است. به طور کلی در نامه‌های قائم مقام دشمنی با فرد خاصی را به طور آشکارا نمی‌توان درک کرد؛ تنها موارد اندکی را می‌توان مشاهده نمود که آن هم به دلیل دفاع از مظلوم در مقابل ظلم و تعدی برخی حکومتیان است.

فراوانی بهره‌گیری از بیان مستقیم در نامه‌های وی به فرزندش، بیشترین کاربست را دارد و این امر به دلیل اقتدار پدرانۀ وی نسبت به فرزند است. نکته‌ی شایان توجه این که قائم مقام در رابطه با شاهزاده خانم همسرش، بیشترین درصد بیان غیرمستقیم را به کار برده که حکایت از احترام فراوانی است که برای وی قائل بوده است.

وجهه نویسنده و مخاطب یا مخاطبان در این نامه‌ها بر اساس نظریه یادشده وجهه‌ای کاملاً مؤدبانه و اخلاق‌مدارانه است. رعایت این وجهه برای دوست و دشمن، بزرگ و کوچک، صاحب منصب و مردم عادی دیده می‌شود. وی از ادب ایجابی برای مخاطبان خود استفاده فراوانی داشته؛ و از ادب سلبی برای بیان علاقه خود بهره گرفته است. وجهه کمتر کسی را در این نامه‌ها می‌توان یافت که از جانب قائم مقام مورد تهدید قرار گرفته باشد. چنان‌که در جدول ۴-۱ مشاهده می‌شود نقض ادب ایجابی (۷٪) - که براساس عدم همدلی یا برچسب‌های نامناسب در بعضی کارها دیده می‌شود - درصد کمی را به خود اختصاص داده است. نقض ادب سلبی (۳۷۵٪) هم در این نامه‌ها بسیار کم‌شمار و بیشتر ناشی از فروتنی است. نقض مستقیم ادب (۵۲۵٪) هم کم تعداد و اغلب نسبت به دنیا است. بیان غیرمستقیم (۲۵۲۵٪) که دلیل بر رفتار مؤدبانه است؛ بیش از بیان مستقیم (۱۶۲۵٪) به کار گرفته است.

براساس بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده مشغله‌های کاری سبب نشده وی از خانواده و فرزندان غافل ماند. او با به‌کارگیری خطاب‌های دوستانه و احترام‌آمیز بر اعمال نزدیکان خود نظارت مستقیم دارد و هر جا که لازم دیده با نصیحت‌های خود آن‌ها را هدایت نموده است. این نصیحت‌ها را نسبت به فرزند به وضوح می‌بینیم که با تأکید بر فضایل او، فرزند را از همنشینی با دوستان ناصالح باز می‌دارد. نسبت به همسر و فرزندان خطاب‌های دوستانه را با خطاب‌های احترام‌آمیز درهم آمیخته و ترکیبی از دوستی و احترام به نمایش گذاشته است. این میزان احترام و دوستی نسبت به برادرش حاجی میرزا موسی خان هم به‌طور آشکار دیده می‌شود. وی با همه دوستانه و با احترام برخورد می‌نماید و تصویری زیبا و قابل احترام از خود می‌آفریند. وی همانطور که با دوستان خود و صاحب منصبان حکومتی مؤدبانه و با احترام رفتار می‌نماید؛ این ادب را در رفتار با اعضای خانواده و نزدیکان هم به کار می‌برد. قائم مقام همان‌گونه که به وجهه خود در بین مقامات و دوستان اهمیت می‌داده، در عین حال به وجهه خود در میان نزدیکان نیز توجه داشته است. نوع برخورد او با همسر، فرزند، برادر و سایر منسوبان تأییدی بر نحوه رفتار محترمانه اوست. اگر نقض ادبی مشاهده می‌شود بسیار کم و انگشت شمار است و به نظر می‌رسد توجه فراوانی هم به وجهه دیگران دارد و تهدید مستقیم وجهه در این نامه‌ها بسیار کم دیده می‌شود؛ اگر جایی به تهدید مستقیم پرداخته است به صورت کلی از بدگویان یاد می‌کند و از شخص خاصی نام نمی‌برد که بتوان دشمنی او را با وی درک کرد؛ تنها به گفتن کلمه «بدذاتی برود و...» بسنده می‌کند. در نامه‌ها چند جایی نقض مستقیم ادب به وضوح با کلماتی نامناسب دیده می‌شود که نقل قول‌هایی است که از شاه یا سایرین دارد. این‌گونه صحبت کردن فقط در موارد اندکی دیده می‌شود؛ آن هم جایی که نمی‌تواند شاهد ظلم و تعدی افراد نسبت به دیگران باشد. از نکات برجسته دیگری که از بررسی این نامه‌ها حاصل شده؛ زهد و دنیاگریزی قائم مقام است که در چندین نامه هر جا که از دنیا سخنی بر زبان آورده، آن را با الفاظی چون عجزوک، پیره‌زنه و غیره یاد کرده و همه جا در پی دوری نمودن از آن بوده است. این میزان زهد و دنیاگریزی برای صاحب منصبی که رابطه نزدیک با دربار دارد؛ شایسته تحسین است.

بنابراین، در این نامه‌ها آنچه محسوس است رعایت ادب کامل قائم مقام نسبت به دیگران و حتی در غیاب آن‌هاست. این رفتار پسندیده از دوستی و احترام راستین و واقعی قائم مقام نسبت به دیگران ناشی می‌شود، فرقی ندارد که از آن‌ها در برابر چه کسی

یاد می‌کند؛ بلکه همه جا آن احترام و صمیمیت غیابی را می‌توان مشاهده کرد. این یکرنگی و یکرویی در جای‌جای نامه‌ها قابل تأمل و البته قیاس با نامه‌های سایر درباریان زمان وی است. به نظر می‌رسد دیگر آثار تاریخی در ژانر نامه قابلیت بررسی مؤلفه‌های کاربردشناسی اصول ادب را دارد و جای خالی چنین بررسی‌های کاربردی‌ای در این آثار مشاهده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. <http://www.ling.lanc.ac.uk/Impoliteness> using and understanding the language
2. <https://oxfordre.com>. Some research counters **Brown and Levinson's politeness** theory.
3. <https://oxfordre.com>. Some research counters **Brown and Levinson's politeness** theory
4. <https://oxfordre.com>. Some research counters **Brown and Levinson's**
5. <https://www.universalclass.com> › articlesThe Politeness Theory: A Guide for Everyone | Some research counters **Brown and Levinson's politeness** theory
6. <https://www.universalclass.com> › articlesThe Politeness Theory: A Guide for Everyone | Some research counters **Brown and Levinson's politeness** theory
7. <https://www.universalclass.com> › articlesThe Politeness Theory: A Guide for Everyone | Some research counters understanding the communication
8. <https://mandegar.tarikhema.org/qaem#mwm>

کتاب‌نامه

- آفاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: علمی.
- اعتضادالسلطنه، علی‌قلی میرزا. (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ*. به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: ویسمن.
- باغبانی، غزل و فاطمه کرم‌پور. (۱۳۹۶). «بررسی چگونگی رابطه بین شاخص قدرت و پدیده ادب زبانی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی: رویکردی گفتمانی و حقوقی». *پژوهش‌های زبانی*. سال ۸، شماره ۲، صص ۱-۲۰.
- حسینی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). «ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه». *پژوهش‌های زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان*. سال اول، شماره اول، صص ۷۹-۱۰۰.
- خدایی‌مقدم، معصومه و محمود الیاسی و شهلا شریفی. (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل چند واژه مؤدبانه و کاربرد آن‌ها در زبان‌فارسی در چهارچوب نظریه ادب براون و لوینسون». *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*. سال ۹، شماره ۲۲، صص ۲۵-۵۵.

- درپر، مریم. (۱۳۹۶). *سبک‌شناسی انتقادی: سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی*. چاپ دوم. تهران: علم.
- صفارمقدم، احمد. (۱۳۸۸). «مقایسه عناصر ادب در زبان کره‌ای و فارسی». *تحقیقات فرهنگی*. دوره دوم، شماره ۱، صص ۹۷-۷۷.
- فسایی، حسن بن حسن. (۱۳۸۸). *سفرنامه ناصری*. جلد ۱. تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- قائم مقام، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۳۷). *منشآت*. به اهتمام جهانگیر قائم‌مقامی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- کشوردوست، آزاده. (۱۳۹۲). «بررسی اصول گرایش در داستان سیاوش در شاهنامه». *زیبایی‌شناسی ادبی*، دوره ۴، شماره ۱۷، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- کوتلاکی، سوفیا. (۱۳۹۷). *نظام ادب، تعارف و مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی*. مترجمان زهرا فرخ‌نژاد و آذردهخ جلیلیان، تهران: علمی فرهنگی.
- محمودی‌بختیاری، بهروز و نرگس فرشته‌حکمت. (۱۳۹۲). «کاربست نظریه‌های زبان‌شناسی در تحلیل اثر هنری کاربرد نقض اصل ادب در تحلیل نمایشنامه‌ی وای بر مغلوب غلامحسین ساعدی». *باغ نظر*. سال ۱۰، شماره ۲۶، صص ۳۲-۲۳.
- مشرعی، فریناز. (۱۳۸۷). «نسب‌نامه قائم مقام». *پیام بهارستان*. دوره ۲، سال ۱، شماره ۱ و ۲، صص ۳۸۵-۳۷۶.
- مؤذن نواده، محمود. (۱۳۹۲). «بررسی گفتمان‌بی‌ادبی در زوجین ناسازگار ایرانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)». نگار داوری اردکانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- مهدی زاده، مهدی. (۱۳۷۸). «تاریخچه منشآت در ادب فارسی». *کیهان فرهنگی*. شماره ۱۵۴، صص ۶۷-۶۴.
- واردهو، رونالد و جنت ام. فولر. (۱۳۹۶). «مروری بر نظریه‌های کاربردشناسی رونالد واردهو و جنت ام. فولر». *برگردان تریفه عزیزی. زبان شناخت*. شماره ۳، صص ۷۰-۴۳.
- ه. سبحانی، توفیق. (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: زوار.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۹۵). *تجزیه و تحلیل مقابله‌ای گفتمان‌شناختی*. تهران: هرمس.
- یول، جرج. (۱۳۹۸). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. چاپ نهم. تهران: سمت.

Culpeper, Jonathan (2011) Politeness and impoliteness. In: Karin Aijmer and Gisle Andersen (eds.) *Sociopragmatics*, Volume 5 of *Handbooks of Pragmatics* edited by Wolfram Bublitz, Andreas H. Jucker and Klaus P. Schneider. Berlin: Mouton de Gruyter, 391-436.

Monir Mirhosseini, Maryam Mardanshahi, (2017) *Hamidreza Dowlatabadi (Impoliteness Strategies Based on Culpeper's Model: An Analysis of Gender Differences between Two*

تحليل گفتمان منشآت خانوادگی قائم مقام فراهانی ... ۵۳

Characters in the movie Mother. Journal of Applied Linguistics and Language Research
Volume 4, Issue 3, 2017, pp. 221-238 Available online at www.jallr.com ISSN: 2376-760X
<http://ling.lanc.ac.uk/> Impoliteness: and Understanding the Language of Offence Department of
Linguistics and English Language, Lancaster university
<https://oxfordre.com>. Some research counters **Brown and Levinson's politeness** theory
<https://www.universalclass.com> › articles The Politeness Theory: A Guide for Everyone | Some
research counters **Brown and Levinson's politeness** theory
<https://www.universalclass.com> › articles The Politeness Theory: A Guide for Everyone | Some
research counters understanding the communication
<https://pure.mpg.de>› Penelope Brown and Stephen c. Levinson(1987) Politeness: some universals
in language usage Cambridge: Cambridge university press